

Illegitimate power and fragile political stability in the first Pahlavi period

Received: 2023/10/15

Accepted: 2023/12/06

Mustafa Vertabi Kashanian**

(156-172)

The common denominator of the definitions of different sects is that exaggeration means exceeding the shari'ah limit in praise or vilification, and through this definition, the Shi'ah are called transgressors by the Salafis for believing in the infallibility of the Ahl al-Bayt (AS). However, in this article, a descriptive-analytical method based on library data tries to prove that the Qur'an and Sunnah indicate the legitimacy of such a belief. As an example, the verse of purification and the famous verse known as the Ulul Amr verse, and the hadiths that are mentioned below these verses in the authentic sources of Sunni narration and books trusted by the Salafis, indicate this issue. Therefore, the principle of Shi'ah belief in the discussion of infallibility is based on the sources of the holy shari'ah of Islam and the subject is removed from the title of exaggeration, but in the discussion of infallible example, the arguments of the deniers and the affirmers in this regard should be examined. This issue cannot be the basis of making the Shi'ah exaggerators.

Keywords: Accusation of exaggeration, Infallibility of Ahl al-Bayt, Salafis, purification verse, verse of Ulu al-Amr.

** PhD in Islamic Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran
mostafakashanian@gmail.com.



نقد غلوانگاری باور شیعه به عصمت اهل بیت علیهم السلام از سوی سلفیان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

مصطفی ورتابی کاشانیان*

(۱۷۲-۱۵۶)

چکیده

قدر مشترک تعاریف مذاهب گوناگون این است که غلو به معنای تجاوز از حد شرعی در مدح یا ذم دیگری است و به واسطه این تعریف، سلفیان شیعه را به جهت اعتقاد به عصمت اهل بیت علیهم السلام متجاوز از حدود شرع و غالی می‌خوانند؛ حال آنکه در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای سعی می‌شود اثبات گردد قرآن و سنت بیانگر مشروع بودن چنین اعتقادی است؛ برای نمونه آیه تطهیر و آیه مشهور به اولی الامر و احادیثی که ذیل این آیات در منابع معتبر روایی اهل سنت و کتب مورد اعتماد سلفیان قید شده، حاکی از این مسئله است. بنابراین اصل اعتقاد شیعه در بحث عصمت، متکی به منابع شرع مقدس اسلام است و موضوعاً از عنوان غلو خارج می‌شود؛ اما در بحث مصداق معصوم باید ادله منکران و مثبتان در این خصوص بررسی شود و بر فرض که شیعه در تعیین مصداق به اشتباه رفته باشد، این مسئله نمی‌تواند سبب غلو شیعه باشد.

واژگان کلیدی: اتهام غلو، عصمت اهل بیت علیهم السلام، سلفیان، آیه تطهیر، آیه اولی الامر.

* . دکترای کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

.mostafakashanian@gmail.com

مقدمه

یکی از مباحثی که قرن‌هاست دستاویز مناسبی برای مخالفان تشیع قرار گرفته تا به واسطه آن، بر شیعیان خرده بگیرند و گاه مذهب شیعه را مذهبی انحرافی و افراطی معرفی کنند، مبحث غلو است.

اینکه عقیده شیعه در باور به عصمت اهل بیت علیهم السلام به غلو آلوده است یا خیر، مبحثی است که در این تحقیق باید بدان پرداخته شود. به سخن دیگر رسالت این تحقیق بررسی این مهم است که آیا اساساً اتهامات مطرح شده به شیعه در خصوص غلوآمیز بودن اعتقاد به عصمت، پذیرفتنی است یا تنها اتهامی است که بدون اتکا به مبنای دقیق و قابل اعتماد، به شیعه نسبت داده شده است؟

گفتنی است که در زمینه نقد اتهامات وهابیان در مبحث غلو، پیش تر نیز تحقیقاتی به طور کلی صورت گرفته که برخی از آنها عبارت‌اند از: مقاله «بازخوانی اندیشه غلو و غلوگرایی» اثر مجید شاکر سلماسی (مجله فرهنگ زیارت، ش ۱۸، مهرماه ۱۳۹۲) که به دفاع از اصل اعتقاد شیعی و اینکه بر خلاف ادعای مخالفان، منشأ عقاید غلوآمیز بیشتر در میان اهل سنت است تا شیعه، پرداخته است؛ مقاله بررسی «اندیشه غلو در تاریخ شیعه» اثر سمیه کارگر (بارگزاری شده در سایت <http://intjz.net>، و قابل دسترس در لینک: <http://intjz.net/maqalat/sh-qolov.html>) که این اثر نگاهی درون‌مذهبی دارد و به مسئله غلو و پیدایش آن و نیز عقاید آنها در درون مذهب شیعه و در نهایت برخورد بزرگان شیعه با این افراد نظر دارد؛ پایان نامه «معیارشناسی غلو در روایات معصومان علیهم السلام» (پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه اصول دین، تاریخ دفاع ۱۳۹۰ ش، استاد راهنما: حجت‌الاسلام دکتر محمدتقی دیاری، استاد مشاور: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد ابراهیمی راد) اثر محمدباقر فرضی و پایان‌نامه «مفهوم‌شناسی غلو در آیات و روایات» (پایان‌نامه مقطع کارشناسی، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران حوزه الغدیر، تاریخ دفاع ۱۳۸۵، استاد راهنما: شهیدی فر) نوشته نفیسه ابوالحسنی که در این دو پایان‌نامه نیز نگاه درون‌مذهبی است و بیشتر ناظر به بحث معیار غلو از نگاه شیعه و نیز برخورد اهل بیت علیهم السلام با غالیان منتسب به شیعه است. هرچند موضوعاتی همچون اعتقاد به الوهیت و علم غیب استقلالی اهل بیت علیهم السلام در این دو تحقیق بررسی می‌شود؛

اما بحث عصمت اهل بیت علیهم السلام در موضوعات این پایان‌نامه‌ها جایی ندارد؛ مقاله «بررسی حد و معیار غلو و تقصیر از دیدگاه شیخ مفید و علامه مجلسی» (دوفصلنامه مطالعات اسلامی، سال چهل و هفتم، شماره ۹۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش) نوشته فروغ‌السادات رحیم‌پور و فرزانه شهبازی که این مقاله با نگاهی تطبیقی میان دو تن از علمای شیعه بر مسئله معیار غلو و تقصیر تمرکز دارد و در مورد تمایز دیدگاه‌های غلوآمیز از اختلافات جزئی در بحث فضائل اهل بیت علیهم السلام بحث می‌کند. بنابراین وجه تمایز تحقیق حاضر از پژوهش‌های صورت گرفته در این است که اولاً پژوهش حاضر بر نقد برون‌مذهبی متمرکز است؛ در حالی که پژوهش‌های دیگر بیشتر متمرکز بر نقد دوران مذهبی و بررسی معیارهای غلو از نگاه خود شیعه بودند؛ ثانیاً این پژوهش به دنبال ارائه پاسخی حلی در مسئله اتهام غلو به شیعه است؛ در حالی که پژوهش‌های پیشین گاهی اگر وارد نقد برون‌مذهبی هم شده باشند، به نقدهای نقضی عنایت دارند تا حلی؛ ثالثاً این کاوش بیشتر از اینکه مانند تحقیق‌های گذشته به دنبال تعیین مصداق در بحث عصمت باشد، با تکیه بر بحث مفهوم‌شناسی غلو، در پی نشان دادن این مهم است که اصل اعتقاد به عصمت افرادی غیر از انبیا، بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات موجود در منابع مخالفان، اصلی پذیرفته شده بوده و اساساً در چهارچوب غلو نمی‌گنجد؛ خواه مصداق آن اهل بیت علیهم السلام باشند یا اشخاص دیگر.

از آن نظر که تکیه این پژوهش بر مفهوم‌شناسی است، پیش از هر چیز باید تعریف غلو بیان شود تا با تکیه بر این بخش، به نقدهای وارده پاسخ داده شود.

۱. مفهوم‌شناسی غلو

معنای لغوی و اصطلاحی غلو تفاوت چندانی با هم ندارد؛ تنها در بحث اصطلاحی، قید حد شرعی به آن افزوده می‌شود.

در لغت، «غلو» بر وزن «فُعُول» مصدر فعل «غَلَى یَغْلُو» به معنای افراط، ارتفاع بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیز است؛ بنابراین وقتی قیمت چیزی از حد معمول خود بالاتر می‌رود، به آن «غال» به معنای گران می‌گویند؛ چنان‌که درباره مایعات هرگاه به جوش آیند و در حد خود ننگنجد، می‌گویند غلیان کرده است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۶۵).

نقد غلوانگاری باور شیعه به عصمت اهل بیت علیهم السلام از سوی سلفیان / ورتابی کاشانیان (۱۷۲-۱۵۶) / ۱۵۹

در اصطلاح متکلمان شیعه، غالی به کسی می‌گویند که در حق اهل بیت علیهم السلام ادعای نبوت و الوهیت داشته باشد (غفار، ۱۴۱۵ق: ۳۰) یا در حق اهل بیت علیهم السلام بگوید تدبیر نظام آفرینش از آن پیشوایان معصوم است، آنان خالق و رازق و محیی و ممیت علی‌الاطلاق اند (سبحانی، ۱۴۲۸ق: ۱۱۵). برخی نیز غلو را اعتقاد به حلول خدا در این افراد معنا کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۵: ۳۴۶).

در اهل سنت ابن حجر (م. ۸۵۲ق) می‌گوید: غلو مبالغه در چیزی و تجاوز از حد در مورد آن شیء است (عسقلانی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۲۷۸) و فخر رازی غلو را مقابل تقصیر و به معنای خروج از حد می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۶۹۵). قدر مشترک این تعاریف همان تجاوز از حد شرعی است.

در سلفی‌ها ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) می‌گوید غلو به این معناست که در مورد چیزی به بیش از آنچه مستحق آن است، مدح یا ذم کنیم (ابن تیمیه، «ب» ۱۴۱۹ق: ۳۲۸)، محمد بن عبدالوهاب (م. ۱۲۰۶ق) نیز چنین تعبیری دارد (عبدالوهاب، ۱۴۲۳ق: ۲۵۴)، برخی نیز مانند بن باز به طور کلی می‌گویند غلو یعنی زیاده‌روی در آنچه خداوند تشریح کرده است (بن باز، بی تا، ج ۴: ۱۱۰).

برایند تعاریف ارائه شده این است که در تمامی این تعاریف، یک مسئله مدنظر است و آن تجاوز از حد شرعی است؛ به بیان دیگر اساس کار در غلو و معیار اساسی برای خروج از حیطة غلو این است که شخص از مرزی که شرع مقدس برای او معین کرده، تجاوز نکند. حال این تجاوز از حد در لسان شیعه این گونه عنوان می‌شود که مثلاً برای اهل بیت علیهم السلام اوصاف الهی قائل شود، در تعبیر اهل سنت به این صورت نمود دارد که در انجام آنچه شارع مقدس از انسان خواسته است، زیاده‌روی شود و در تعبیر سلفی‌ها نیز در این قالب ظهور می‌یابد که فردی را بیش از حد معین شده در شرع، مدح یا ذم کنیم.

بنابراین این تجاوز از حد - چه در بعد عملی و چه در بعد نظری و اعتقادی صورت گیرد - می‌تواند مصداق غلو باشد. در این صورت اگر شخصی عملی را انجام دهد که مستند شرعی داشته یا به وصفی در حق یکی از اولیای الهی مانند اهل بیت علیهم السلام معتقد شود که متکی به آموزه‌های شرع مقدس اسلام است، قاعدتاً نمی‌توان او را به غلو متهم کرد.

۲. اتهام غلو به خاطر اعتقاد به عصمت اهل بیت علیهم السلام

مبدع مکتب سلفی (با شکل نوین و مدون) ابن تیمیه یکی از کسانی است که شیعه را به خاطر اعتقاد به عصمت، غالی می خواند. او می گوید رافضه و به تبع آنها برخی از اهل سنت، آیاتی را که در مورد گناهان پیامبر صلی الله علیه و آله است، تأویل کرده و آن را گناهان امت ایشان دانسته اند؛ درحالی که علت این تأویل این است که شیعیان در درجه اول به عصمت علی علیه السلام قائل شده اند، سپس برای اینکه این مسئله توجیه شود، باید به طریق اولی عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز اثبات کنند؛ از این رو به عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله قائل شده و ناچار شدند این آیات را تأویل کنند. حال آنکه این اعتقاد ناشی از غلو ایشان است (ابن تیمیه، ۱۴۱۸ق: ۲۰۶). دلیل دیگری که غالی بودن شیعه را اثبات می کند، این است که آنها برای اهل بیت علیهم السلام قائل به عصمت هستند و از آنجا که عصمت خاص انبیاست، گویی برای اهل بیت علیهم السلام مقام نبوت قائل شده اند و این به معنای غلو است (همو، ۱۴۲۶ق: ۲۹۸).

عبدالرحمن ناصر السعدی، مفسر وهابی زمانی که به زعم خود عقاید طالبان حق را در مورد صالحان بیان می کند، می گوید آنها صالحان را دوست دارند و حقوق آنها را رعایت می کنند و از غلو در حق آنها و ادعای عصمت کردن در مورد ایشان بری هستند. از عطف کردن عصمت به غلو و نیز استناد به آیه قرآنی پس از آن، یعنی «سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ» (مائده: ۱۱۶) که از زبان حضرت عیسی از عقاید غالیان در حق خود برآنت می جوید، می توان به این نتیجه رسید که در نگاه سعدی، از مصادیق غلو در حق صالحان و اولیای الهی این است که آنها را معصوم بدانید. در واقع تأکید بر عصمت به طور جداگانه بیشتر ناظر به عقیده شیعه در حق اهل بیت علیهم السلام است (ناصر السعدی، ۱۴۲۱ق: ۸۳). در جای دیگر زمانی که در مورد اعتقاد خود درباره جایگاه صحابه سخن می گوید، این گونه عنوان می کند که ما در عین احترام قائل بودن برای صحابه، در مورد آنان غلو نمی کنیم و اعتقادی به عصمت آنان نداریم (همو، ۱۴۱۴ق: ۷۵)؛ بنابراین از نگاه او اعتقاد به عصمت در مورد فردی غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مصادیق غلو به شمار می رود. بن باز نیز زمانی که موارد غلو شیعه در حق اهل بیت علیهم السلام را بر می شمارد، به اعتقاد به عصمت به عنوان یکی از مصادیق غلو شیعه اشاره می کند (بن باز، بی تا، ج ۲۸: ۲۶۵).

نقد غلوانگاری باور شیعه به عصمت اهل بیت علیهم السلام از سوی سلفیان / ورتابی کاشانیان (۱۷۲-۱۵۶) / ۱۶۱

حاصل کلام در این بخش این است که سلفیان اعتقاد شیعه به عصمت اهل بیت علیهم السلام را یکی از مصادیق غلو می‌دانند.

۳. نقد غلوانگاری اعتقاد به عصمت

در پاسخ به ادعای سلفیان می‌توان چند دلیل ارائه کرد که با عنایت به آنها اساساً اعتقاد به معصوم بودن اهل بیت علیهم السلام نه تنها مصداق تجاوز از حد شرعی نیست؛ بلکه بر اساس تعاریف ارائه شده از غلو و با نگاه مفهوم‌شناسانه به غلو، اساساً این اعتقاد تحت مقوله غلو درج نمی‌شود؛ بلکه اگر فرض بر وارد بودن اشکال به این اعتقاد باشد، این اشکال در بخشی دیگر و تحت عنوانی دیگر باید واکاوی شود، نه ذیل عنوان غلو.

پیش از پرداختن به ادله نقد باید تعریف مختصری از عصمت ارائه شود تا مراد از عصمت در نگاه شیعه و وهابیت مشخص شود.

عصمت در اصطلاح شیعه: برخی این گونه به این موضوع پرداخته‌اند که عصمت خودداری اختیاری انسان از ارتکاب گناه است، به واسطه لطفی که خداوند در حق او دارد. (شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق: ۳۲۶). علامه حلی (م. ۷۲۶ق) معتقد است معصوم با وجود اینکه اختیار و قدرت انجام گناه را دارد، اما به واسطه لطف الهی هیچ میلی به انجام معصیت ندارد (حلی، ۱۳۶۵: ۹)؛ حتی از این بالاتر معصوم حتی به گناه فکر هم نمی‌کند. بنابراین در نگاه شیعه، عصمت لطفی از جانب خداست که به واسطه آن وقوع معصیت از شخص ممتنع می‌گردد (فاضل مقداد، ۱۴۲۴ق: ۲۳۵؛ سبحانی، ۱۴۲۸ق: ۲۷۶).

عصمت در اصطلاح سلفیت: نگاه سلفیان در عصمت، متفاوت از نگاه شیعه است. مراد سلفیان (که تا حد زیادی با برداشت اهل سنت از عصمت هم‌خوانی دارد) از عصمت این است که انبیا که مصادیق معصومان هستند، تنها در انتقال مفاهیم وحی و معارف دین معصومند؛ اما ممکن است برخی گناهان از ایشان سربرزند که ربطی به بحث وحی نداشته باشد (ناصر السعدی، ۱۴۲۰ق: ۱۸۹) آلوسی (م. ۱۳۱۷ق) هم دسته‌بندی خاصی در مورد عصمت ارائه می‌کند که طی آن هر چند ارتکاب عمدی گناه کبیره را از پیامبر صلی الله علیه و آله آن هم پس از وحی منتفی می‌داند؛ اما حتی ارتکاب عمدی گناه صغیره از آن حضرت را نیز جایز

می‌داند (آلوسی، ۱۴۰۱ق: ۴۹۰). ابن تیمیه نیز در تعریف عصمت پیامبر اکرم ﷺ می‌گوید ایشان در آنچه از جانب خداوند متعال ابلاغ می‌کند، صادق است و خطایی در این بخش راه ندارد (ابن تیمیه «الف»، ۱۴۱۹ق: ۱۴۱)؛ درعین حال به اعتقاد او سرزدن برخی گناهان صغیره از نبی مکرم اسلام ﷺ جایز است و این را مخل عصمت آن حضرت نمی‌داند: زیرا کسانی را که می‌گویند پیامبر ﷺ از خطا و سهو نیز معصوم است، غالی در عصمت می‌خواند (همو، ۱۴۲۳ق: ۲۰۴).

با تفصیل بیان شده، عصمت در ادعای سلفیان اولاً تنها در انبیا منحصر است؛ ثانیاً به بخش ابلاغ وحی منتهی می‌شود و در موارد دیگر این مسئله جاری نیست؛ بنابراین حتی اگر اثبات شود شخصی غیر از پیامبر ﷺ در حد انتقال وحی عصمت دارد، این اعتقاد غلو نخواهد بود؛ اما از این فراتر، در این پژوهش سعی می‌شود اثبات گردد که حتی اعتقاد به عصمت کامل از هر خطا و اشتباه نیز منافاتی با تعالیم الهی ندارد و در حیطة غلو نمی‌گنجد.

۳-۱. دلایل نقد

در نقد این ادعا همین بس که کلام الله مجید تجویزکننده این اعتقاد است؛ بنابراین به دلیل مختصر بودن مجال، از میان آیات متعدد در این زمینه به دو آیه موسوم به آیه تطهیر و اولی الامر بسنده شده؛ ضمن اینکه تعبیر اهل سنت و سلفیان ذیل این آیات به عنوان مؤید برداشت صحیح شیعه از این موارد ذکر می‌شود.

۳-۱-۱. آیه تطهیر

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب: ۳۳).

در استناد به این آیه، دو مسئله باید اثبات شود: اول اینکه مراد از این آیه، عصمت است؛ دوم اینکه این آیه شامل اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ می‌شود.

الف - اثبات مفهوم عصمت از گناه از آیه تطهیر

برای اثبات این مسئله، نخست باید نوع اراده الهی در این آیه مشخص شود. حق این است که اراده ذکرشده در آیه از نوع اراده تشریحی نیست؛ چراکه اراده تشریحی به همه بندگان باز می‌گردد و درعین حال امکان تخطی از آن نیز وجود دارد. مثل اینکه خداوند برای بندگان

نقد غلوانگاری باور شیعه به عصمت اهل بیت علیهم السلام از سوی سلفیان / ورتابی کاشانیان (۱۷۲-۱۵۶) / ۱۶۳

اراده نماز و زکات و... دارد، در عین اینکه برخی بندگان از این اراده تخطی می کنند (حسینی میلانی، ۱۳۹۴: ۱۳۷؛ انصاری، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۶)؛ درحالی که اگر اراده تکوینی خدا به شیئی تعلق بگیرد، وقوع آن حتمی است؛ مانند آیه شریفه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷).

از سویی آیه از ادات حصر «انما» استفاده کرده که در زبان عرب، استفاده از این واژه برای محصور کردن مفاد کلامی است که پس از آن می آید. افزون بر این ویژگی «انما» نسبت به ادات دیگر حصر در این است که در آن واحد، هم وصفی را برای شیء پس از خود اثبات می کند و هم آن وصف را از غیر آن شیء نفی می کند؛ بنابراین استفاده از واژه «انما» در آیه شریفه حاکی از این است که اراده الهی در تطهیر اهل بیت علیهم السلام از رجس، تنها خاص ایشان است و غیر از آن را در بر نمی گیرد (سکاکی، بی تا: ۴۰۳-۴۰۴؛ ابن عربشاه، بی تا، ج: ۱، ۴۸؛ محمدی بامیانی، بی تا، ج: ۲، ۳۱۹).

با این تفصیل اگر اراده در این آیه، اراده تشریحی بود، انحصار این اراده در اهل بیت علیهم السلام، معنا نداشت؛ به عبارت دیگر اگر بنا بود اراده الهی در اینجا از نوع تشریحی باشد، دیگر در آن نباید از ادات حصر، یعنی «انما» استفاده می شد؛ درحالی که با استفاده از واژه «انما» که در ادبیات عرب مفید حصر و انحصار است، مفاد آیه شریفه قطعاً به افراد خاصی محدود می شود. در این صورت این اراده نمی تواند تشریحی و عمومی باشد؛ زیرا اگر بنا باشد از آیه اراده تشریحی برداشت شود، معنای آن این می شود که خداوند تنها در عده ای خاص که اهل بیت علیهم السلام باشند، اراده دوری از گناهان کرده و در باقی انسان ها چنین اراده ای نیست؛ حال آنکه احدی یافت نمی شود که چنین برداشتی در مورد دوری از گناهان داشته باشد.

حاصل کلام اینکه بر اساس مفاد این آیه شریفه، اراده تکوینی الهی بر این قرار گرفته است که اهل بیت علیهم السلام را از هرگونه رجس و پلیدی طاهر کند. اکنون باید بررسی نمود که مراد از این طهارت چیست.

بر اساس تفاسیر بسیاری که ذیل آیه صورت گرفته، مراد از تطهیر در آیه شریفه، پاک کردن از هر گناه و معصیت است. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می شود.

یک نمونه از مواردی که این معنا را تأیید می کند، حدیثی است که در چندین منبع از

منابع معتبر اهل سنت قید شده است. در این حدیث، ابن عباس از پیامبر اکرم ﷺ این گونه نقل می‌کند که ایشان در ضمن مطالبی که در معرفی خود عنوان می‌کند، از آیه تطهیر استفاده می‌کند و در ادامه می‌فرماید: «فانا و اهل بیته مطهرون من الذنوب؛ پس من و اهل بیتم از گناهان پاک قرار داده شده‌ایم» (مقدسی، بی تا: ۱۹۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۹۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۳۲۲؛ بسوی، ۱۴۰۱ق، ج ۱: ۴۹۸).

تفسیر کشاف و تفسیر بیضاوی نیز ذیل این آیه، «رجس» را به استعاره از «ذنب» و گناه گرفته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۵۳۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۲۳۱) که با وجود آن، معنای طهارت از رجس به معنای پاکی از گناه خواهد بود. طبری هم از جمله کسانی است که تعبیر تطهیر در آیه را تطهیر از معاصی می‌داند (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰: ۲۶۲).

از سوی دیگر راغب اصفهانی در بیان معنای رجس، آن را پلیدی می‌داند و چهار وجه برای آن ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: طبعی، عقلی، شرعی و هر سه وجه با هم (راغب اصفهانی، بی تا: ۱۸۸). با وجود اینکه یکی از آن وجوه پلیدی، رجس از نگاه شرع است؛ اما زمانی که آیه شریفه، رجس را با «ال» جنس به کار برده است (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۶: ۹۸)، به این معناست که اراده الهی بر این قرار گرفته که اهل بیت مذکور در آیه، از تمامی این وجوه و هر آن چیزی که مصداق رجس است، اعم از گناه کبیر و صغیره مبرا باشند.

بنابراین با عنایت به تکوینی بودن اراده الهی در آیه شریفه و نیز در نظر گرفتن این مهم که مفاد این بخش از آیه با ادات حصر «انما» مختص اهل بیت ﷺ شده و با توجه به تفاسیری که مراد از رجس را گناه و معصیت دانسته و اینکه «ال» در «الرجس»، جنس است و شامل تمامی موارد گناه و معصیت اعم از صغیره و کبیره می‌شود، می‌توان به این نتیجه رسید که منظور آیه شریفه از تطهیر موکد، منزّه نمودن و پاک کردن اهل بیت ﷺ از تمامی گناهان و معاصی است. پس اعتقاد به اینکه مصادیق مورد نظر در این آیه از گناه بری هستند، نمی‌تواند اعتقادی غلوآمیز باشد؛ زیرا با مقدمات ذکر شده، این اعتقاد مستند به کتاب مقدس قرآن است. علاوه بر این با تکیه بر این آیه می‌توان مصداق اهل بیت را نیز تا حد زیادی مشخص کرد.

ب- اثبات نزول آیه در شان اهل بیت علیهم‌السلام

اگر در این بخش تنها اثبات شود که در میان احتمالات اهل بیت، پنج تن آل عبا نیز وجود دارد، برای خروج از حیطة غلو کافی است. بنابراین آنچه در این بخش باید اثبات شود، صرف احتمال این است که پنج تن آل عبا نیز در شمار مصادیق این آیه هستند.

تفاسیر معتبر و بسیاری در میان اهل سنت و حتی تفاسیر مورد اعتماد سلفیان وجود دارد که ذیل آیه شریفه، مصداق اهل بیت را مشخص کرده‌اند.

یکی از این تفاسیر، تفسیر سیوطی (م. ۹۱۱ق) است. ایشان در تفسیر خود ذیل این آیه، احادیث پرشماری ذکر می‌کند که بر اساس آن، مراد این آیه پنج تن آل عبا هستند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۹۶). بیضاوی (م. ۶۹۲ق) و در عین اینکه انحصار اهل بیت در پنج تن آل عبا را نمی‌پذیرد، اعتراف می‌کند که پنج تن نیز بر اساس احادیث وارد شده در این خصوص، جزو اهل بیت در این آیه شریفه هستند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۲۳۱).

بغوی (م. ۵۱۶ق) از مفسران مورد وثوق سلفیان^۱ نیز در توضیح و تفسیر این آیه، افزون بر اینکه احتمالات دیگری در معنای اهل بیت را جاری می‌داند، حدیثی صحیح نقل می‌کند که بر اساس آن و به نقل از عایشه، اهل بیت تنها منحصر در پنج تن آل عبا علیهم‌السلام هستند. او این حدیث را از کتاب‌های معتبری چون صحیح مسلم، المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری، صحیح ابن حبان و سنن ابن ابی شیبیه نقل کرده و بر تصحیح آن تأکید می‌کند (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۶۳۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۴۵۱).

ابن کثیر نیز در زمره افرادی است که با بیش از ده طریق، حدیثی را نقل می‌کند که در آن متعلق آیه شریفه پنج تن آل عبا علیهم‌السلام هستند؛ هرچند به دنبال وجه جمعی در این میان است که غیر ایشان را نیز داخل در واژه اهل بیت کند؛ اما احادیثی که برای ادعای خود می‌آورد، به لحاظ تعداد و طرق، قابل مقایسه با حدیث پنج تن نیست (ر.ک. ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۶: ۴۰۸-۴۱۶).

۱. ر.ک. مجموعه دروس ابو عبد الله الحازمی به آدرس <http://alHazme.net> و ابن تیمیه، الاستغاثه فی الرد علی البکری، ص ۱۴۶؛ همان، الایمان، ص ۱ و باقی آثار ابن تیمیه که بیش از ۴۰۰ بار در آنها به او و کلامش استناد می‌کند.

طبیعتاً نمی‌توان انتظار داشت مفسران اهل سنت بلکه از آن بالاتر، سلفی‌ها، با مبانی شیعه در این خصوص کنار بیایند؛ زیرا ایشان مبنای اعتقادی خود را دارند و بر اساس آن در تفاسیر نیز مشی می‌کنند. با وجود این بسیاری از مفسران اهل سنت و حتی کسانی که مورد اعتماد سلفیان هستند نیز از ذکر این احادیث در کتاب‌های خود ابا ندارند و آن را نیز به عنوان احتمالی قوی بیان کرده‌اند.

پیش‌تر عنوان شد که صرف احتمال اینکه در میان مصادیق اهل بیت در آیه، پنج تن آل عبا^{علیهم‌السلام} نیز وجود دارند، برای اثبات غلو نبودن این اعتقاد کافی است؛ زیرا با وجود این احتمال، دیگر اعتقاد شیعه به منبعی معتبر مستند بوده و مصداق تجاوز از حد نیست. مسئله‌ای که به‌وضوح در تفاسیر ذکر شده و نیز انبوهی از تفاسیری که در اینجا قید نشد، قابل مشاهده است.

برایند مطالب ذکرشده این است که با عنایت به مفاد آیه تطهیر و تفاسیر ذیل آن، اعتقاد به اینکه پنج تن آل عبا از مصادیق این آیه‌اند و از گناه و معصیت به دور هستند، امری متکی و مستند به متون اصیل اسلام است؛ بنابراین بحث عصمت موضوعاً از حیطة غلو خارج می‌شود. اما در مورد اینکه میزان این عصمت چه حد است یا اینکه آیا مصداق اهل بیت^{علیهم‌السلام} در این افراد منحصر است یا شامل دیگران نیز می‌شود، منابع متعددی نگاشته شده که خواننده محترم را به مطالعه آن منابع ارجاع می‌دهیم.^۱

۳-۱-۲. آیه اولی الامر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نسا: ۵۹).

ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمان صاحبان امر را اطاعت کنید.

۱. ر.ک. مقاله «عصمت ائمه اهل بیت^{علیهم‌السلام} از دیدگاه عقل و نقل، بازگذاری شده در سایت ولی عصر^{علیه‌السلام} به آدرس <http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=6339>؛ مقاله در بررسی براهین عقلی عصمت امام از دیدگاه سید مرتضی و قاضی عبدالجبار»، علی اصغر جدیدی؛ مقاله «دفاع از ادله ضرورت عصمت امام در مواجهه با اشکالات فخر رازی»، علی عسکری یزدی؛ مقاله «تبیین نو از مسئله عصمت و واکاوی نظریه سهو النبی^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}»، سید موسی هاشمی تنکابنی.

نقد غلوانگاری باور شیعه به عصمت اهل بیت علیهم السلام از سوی سلفیان / ورتابی کاشانیان (۱۷۲-۱۵۶) / ۱۶۷

آنچه ذیل آیه مشهور به اولی الامر باید اثبات شود، این است که صرف احتمال وجود عصمت در شخصی غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کافی است تا غلو بودن اعتقاد به عصمت اهل بیت علیهم السلام را منتفی کند. توضیح اینکه اگر اثبات شود بر اساس مفاد آیه اولی الامر این امکان وجود دارد که شخصی غیر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که همگان بر عصمت ایشان اعتقاد دارند نیز می تواند معصوم باشد، دیگر اعتقاد شیعه بر عصمت اهل بیت علیهم السلام اعتقادی متکی به دلیل شرعی است. نهایت امر این است که ممکن است وهابیان و سلفیان در مصداق اولی الامر با شیعیان اختلاف داشته باشند، در این صورت این بحثی مصداقی است که باید هرکدام از طرفین دلیل خود را ارائه کنند تا کلام صحیح مشخص شود؛ اما مهم این است که صرف این اعتقاد دیگر تجاوز از حد شرعی نیست؛ بلکه متکی به آیات محکم قرآن است.

وجه استدلال به آیه شریفه اولی الامر با دو مقدمه مشخص می شود:

مقدمه اول: اثبات اطاعت مطلق در آیه اولی الامر

خداوند متعال در این آیه به طور مطلق همگان را به اطاعت از خود و رسولش امر می کند. مطلق بودن امر نیز مسئله ای عقلایی است؛ زیرا هیچ کس در اطاعت مطلق از خدا و رسولش تردیدی ندارد؛ ضمن اینکه سیاق آیه شریفه نیز این مسئله را به ذهن متبادر می کند که مراد اطاعت مطلق است که اگر قیدی در اینجا لازم بود، خداوند حکیم که در مقام بیان است، باید آن قید را ذکر می کرد. همان گونه که وقتی انسان را به اطاعت والدین فرا می خواند، این امر مطلق نیست و آن را مقید می کند به اینکه این اطاعت تا زمانی واجب است که والدین انسان را به شرک امر نکنند (عنکبوت: ۸؛ لقمان: ۱۵). لذا در امر به شرک، اطاعت از آنها نه تنها واجب نیست؛ بلکه ممنوع است. این در حالی است که در قرآن کریم هیچ قیدی در اطاعت خداوند متعال و پیامبر گرامی ایشان صلی الله علیه و آله ذکر نشده است. به همین منوال زمانی که اولی الامر نیز به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله عطف می شود، بدین معناست که اطاعت اولی الامر نیز هم سنگ و هم تراز خداوند متعال و نبی خاتم صلی الله علیه و آله است.

به علاوه از ذکر کردن «اطیعوا» به طور جداگانه برای خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و ذکر نشدن آن برای اولی الامر، باز می توان قرینه ای مضاعف در هم سنگ بودن اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و

اولی الامر به دست آورد. توضیح اینکه وقتی با یک امر، «اطیعوا» هم به اطاعت پیامبر ﷺ و هم به اطاعت اولی الامر فرمان می‌دهد، به معنای یکسانی و همانندی وجوب اطاعت در هر دو است؛ زیرا زمانی که «اطیعوا» تنها یک بار برای هر دو استفاده می‌شود و می‌دانیم که اطاعت از پیامبر ﷺ به طور مطلق است، دیگر نمی‌توان گفت اطاعت از اولی الامر در اینجا مقید است؛ چراکه یک لفظ نمی‌تواند در آن واحد هم مطلق باشد، هم مقید (کاردان، ۱۳۸۸: ۱۱۸؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۲: ۳۴۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۶۵۰). برداشت اطاعت مطلق از آیه شریفه چیزی است که حتی رشید رضا با گرایش‌های سلفی هم بدان اعتراف دارد (رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۵: ۱۵۰).

با این توضیح، بطلان تعبیر کسانی که ذیل این آیه شریفه، اطاعت اولی الامر را از اطاعت پیامبر ﷺ جدا می‌کنند و می‌گویند اطاعت از پیامبر ﷺ مطلق است؛ اما اطاعت از اولی الامر مقید، مشخص می‌شود (ناصر السعدی، ۱۴۲۰ق: ۱۸۳)؛ زیرا با عنایت به موارد ذکرشده قطعاً جدا کردن این اطاعت نیازمند قید است؛ اما در اینجا هیچ اشاره‌ای به این مسئله نشده است؛ پس این تفکیک بین نوع اطاعت از پیامبر ﷺ با اولی الامر، اقدامی بدون مستند علمی است.

برایند این مقدمات این است که اطاعت ذکرشده در آیه اولی الامر، اطاعتی مطلق است؛ بنابراین مصداق اولی الامر باید افرادی خاص باشند که این اطاعت در مورد آنها صدق کند. اما سؤال اینجاست که آیا این مطلق اطاعت بر عصمت دلالت دارد یا خیر؟ عنوان بعد عهده‌دار پاسخ به این سؤال خواهد بود.

مقدمه دوم: عصمت لازمه اطاعت مطلق

اکنون که اثبات شد اطاعت در آیه شریفه باید از نوع اطاعت مطلق باشد، در اطاعت از خدا و رسولش کسی اختلاف ندارد؛ اما در مورد اولی الامر باید بررسی شود که این اطاعت مطلق اقتضای چه ویژگی خاصی را در ایشان دارد؟

فخر رازی از اندیشوران بزرگ اهل سنت ذیل این آیه، چنین استدلال می‌کند که در آیه شریفه، اطاعت از اولی الامر به طور مطلق بر همگان واجب شده است؛ در این صورت چنین

نقد غلوانگاری باور شیعه به عصمت اهل بیت علیهم السلام از سوی سلفیان / ورتابی کاشانیان (۱۷۲-۱۵۶) / ۱۶۹

شخصی باید از خطا و اشتباه مصون باشد؛ زیرا آیه شریفه ما را به اطاعت مطلق از ایشان امر نموده؛ حال اگر اولی الامر مصون از خطا نباشد و ما را به معصیت امر کند، از یک سو باید امر او را اطاعت کرد و از سوی دیگر باید از خداوند در نهی از معاصی اطاعت کرد که این مصداق تناقض است. پس لازمه این آیه، عصمت اولی الامر است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰: ۱۱۳). هرچند فخر رازی در بیان مصداق به خطا رفته است؛ اما این استدلال دقیقاً شبیه همان است که در کتب شیعی عنوان می شود.

رشید رضا نیز در عین اینکه می کوشد برای اولی الامر مصداقی بیابد که با معتقداتش سازگار باشد، اما بحث عصمت را در مورد اولی الامر می پذیرد (ر.ک. رشید رضا، ۱۹۹۰م، ج ۵: ۱۴۵-۱۵۰).

از دیگر مؤیداتی که می تواند حاکی از پیوند میان اطاعت مطلق و عصمت، حتی در نگاه وهابیان باشد، عبارتی است که از ابن عثیمین (از چهره های سرشناس و مشهور وهابیت معاصر) در این مورد آمده است. او زمانی که می خواهد عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله را اثبات کند، یکی از دلایلی که ذکر می کند، این است که پیامبر صلی الله علیه و آله معصوم است؛ زیرا ما به اطاعت مطلق از ایشان مأمور شده ایم (ابن عثیمین، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۲۰۵). ناصر السعدی نیز چنین تعبیری در مورد اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله دارد (ناصر السعدی، ۱۴۲۰ق: ۱۸۹). این تعبیر دقیقاً در اینجا نیز کاربرد دارد. زمانی که اثبات شد مراد از «اطیعوا» در آیه اولی الامر اطاعت مطلق است، به طور طبیعی اولی الامر باید شخصی باشد که دارای مقام عصمت باشد تا با تکیه بر آن، مسلمانان به تناقضی که فخر رازی گفت، دچار نشوند.

با این مقدمات می توان به این مهم پی برد که بر اساس آیه اولی الامر، عصمت در غیر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هم جاری است؛ بنابراین اعتقاد به این مسئله به کلام وحی مستند خواهد بود؛ در نتیجه این اعتقاد تکیه گاهی شرعی دارد و به هیچ روی تجاوز از حد شرع قلمداد نمی شود. اما اینکه مصداق اولی الامر چه کسانی هستند، مجالی دیگر می طلبد که در حوصله این مختصر نیست و برای مطالعه دقیق تر در این زمینه، خوانندگان محترم

می‌توانند به کتاب‌های تخصصی که در این زمینه نگاشته شده، مراجعه کنند.^۱ براینکه مطالب فوق این است که با وجود مطالب و دلایل پرشمار در این زمینه، تنها استناد به یک یا دو آیه کافی است تا مقبولیت اعتقاد شیعه در بحث عصمت اهل بیت علیهم‌السلام را اثبات کند و دست مخالفان را از این اتهام علیه شیعیان خالی نماید.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در خصوص معنای غلو طرح شد و نیز با استناد به آیات تطهیر و اولی الامر و احادیثی که ذیل این آیات در منابع معتبر اهل سنت و کتاب‌های مورد وثوق وهابیان و سلفیان موجود است، می‌توان به این نتیجه رسید که صرف اعتقاد به عصمت شخصی غیر از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از بحث غلو خارج است؛ اما اینکه مصداق معصوم چه کسانی هستند، بحثی دیگر است که باید در آن ادله هر طرف به لحاظ سندی یا دلالی بررسی شود. بنابراین اتهام وارده به شیعه در ارتکاب غلو به جهت اعتقاد به عصمت اهل بیت علیهم‌السلام، اتهامی نابجاست و این اعتقاد موضوعاً از بحث غلو بیرون است.

کتابنامه

قرآن کریم.

آلوسی، نعمان بن محمود (۱۴۰۱ق). جلاء العینین فی محاکمة الأحمدين، مطبعة المدنی. ابن تیمیه، احمد (۱۴۱۹ق) «الف». اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، تحقیق ناصر عبدالکریم العقل، بی‌جا، دار عالم الکتب، بیروت.

_____ (۱۴۱۹ق) «ب». الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح، تحقیق: علی بن حسن،

عبدالعزیز بن ابراهیم، حمدان بن محمد، عربستان، دار العاصمه.

_____ (۱۴۲۶ق). مختصر منهج السنه، صنعاً، یمن، دار الصدیق.

_____ (۱۴۱۸ق). المستدرک علی مجموع فتاوی، جمع و ترتیب محمد بن عبدالرحمن بن

قاسم، بی‌جا، بی‌نا.

۱. ر.ک. اثبات امامت، محمدباقر مجلسی؛ «اثبات امامت در آیه اولی الامر»، دایرةالمعارف اسلامی طهور؛ اثبات امامت، ولایت و خلافت، محمد مالکی خوانساری؛ اثبات ولایت و امامت حضرت علی علیه‌السلام در قرآن کریم و پاسخ به شبهات، گروه نویسندگان؛ مقاله «مفهوم‌شناسی و مصداقیابی اولی الامر از نگاه علامه طباطبایی و فخر رازی»، رضا گیلانی؛ مقاله «تفسیر تطبیقی مصداق اولی الامر در آیه اطاعت»، قاسم سبحانی فخر.

نقد غلوانگاری باور شیعه به عصمت اهل بیت علیهم السلام از سوی سلفیان / ورتابی کاشانیان (۱۷۲-۱۵۶) / ۱۷۱

_____ (۱۴۲۳ق). الرد علی الأحنائی قاضی المالکیة، تحقیق الدانی بن منیر آل زهوی، بیروت، المكتبة العصرية.

ابن عبد الوهاب، سليمان بن عبد الله بن محمد (۱۴۲۳ق). تیسیر العزیز الحمید فی شرح کتاب التوحید الذی هو حق الله علی العبد، بیروت، المكتبة الاسلامی.

ابن عثیمین، محمد بن صالح (۱۴۱۳ق). مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین، جمع و ترتیب فهد بن ناصر بن ابراهیم السلیمان، بی جا، دار الوطن.

ابن عربشاه، ابراهیم بن محمد (بی تا). الأطول شرح تلخیص مفتاح العلوم، بیروت، دار الکتب العلمیه. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۱۴۲۰ق). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق سامی بن محمد سلامة، بی جا، دار طيبة للنشر والتوزیع.

اسلامبولی، سامر (۲۰۰۰م). تحریر العقل من النقل، دمشق، بی نا.

انصاری، محمد علی (۱۳۸۲). اهل البيت علیهم السلام، امامتہم حیاتہم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.

بسوی، یعقوب بن سفیان (۱۴۰۱ق). المعرفة و التاريخ، محقق: اکرم ضیاء العمری، بیروت، مؤسسة الرسالة.

بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله (بی تا). مجموع فتاوی، زیر نظر محمد بن سعد الشویعر، عربستان، موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمیه.

بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل وأسرار التأویل، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

حاکم نیشابوری، محمد (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین، تعلیق محمد بن أحمد ذهبی، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.

حسینی میلانی، سید علی (۱۳۹۴). عصمت از منظر فریقین شیعه و اهل سنت، قم، انتشارات الحقایق.

حلی، الحسن بن یوسف (۱۳۶۵). الباب الحادی عشر، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا). المفردات فی غریب القرآن، تهران، المكتبة المرتضویه. رشید رضا، محمد (۱۹۹۰م). تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بی جا، هیئة المصرية العامة للكتاب.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی. سبحانی، جعفر (۱۴۲۸ق). محاضرات فی الالهیات، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، قم، مؤسسه

امام صادق علیه السلام.

- سکاکی، یوسف بن ابی بکر (بی تا). مفتاح العلوم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (١٤٠٤ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- شریف مرتضی، علی بن الحسین (١٤٠٥ق). رسائل الشریف المرتضی، قم، دار الکتب.
- شوکانی، محمد (١٤١٤ق). فتح القدير، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب.
- طبری، محمد بن جریر (١٤٢٠ق). جامع البیان فی تأویل القرآن، تحقیق أحمد محمد شاکر، بی جا، مؤسسة الرسالة.
- عسقلانی، ابن حجر (١٣٧٩). فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفة.
- غفار، عبدالرسول (١٤١٥ق). شبهة الغلو عند الشیعه، بیروت، دار المحجة البیضا.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (١٤٢٤ق). اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه، قم، مجمع الکفر الاسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠ق). مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- کاردان، رضا (١٣٨٨). امامت و عصمت امامان علیهم السلام در قرآن، قم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
- مجلسی، محمدباقر (١٤٠٣ق). بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفا.
- محمدی بامیانی، غلامعلی (بی تا). دروس فی البلاغة (شرح مختصر المعانی للتفتازانی)، بیروت، مؤسسة البلاغ.
- مقدسی، ضیاءالدین أبو عبدالله محمد بن عبدالواحد (بی تا). المنتقى من مسموعات مرو، بی جا، بی نا، بارگزاری شده در سایت المكتبة الشاملة به آدرس: <http://shamela.ws/index.php> /book/21635.
- ناصر السعدی، عبدالرحمن (١٤١٤ق). التنبیهاة اللطیفة فیما احتوت علیه الواسطیة من المباحث المنیفة، ریاض، دار الطیبه.
- ناصر السعدی، عبدالرحمن (١٤٢٠ق). تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، محقق: عبدالرحمن بن معلا اللویحق، عربستان، مؤسسة الرسالة.
- _____ (١٤٢١ق). القول السدید شرح کتاب التوحید، عربستان، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد.
- نجفی خمینی، محمدجواد (١٣٩٨). تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیه.